

اما تأثیر او بر نظریه بعد از خودش شاید پیچیده‌تر باشد. زبان روسی وی و زندگی تبعیدگونه وی و ارتباط اندک میان این سوی دیوار آهنین و آن سوی دیواره منجر به طرح دیدگاه‌های او با تأخیری طولانی در مباحث چاری و زنده دنیا شد. بسیاری از دستاوردهای وی با تأخیری ربع قرن به صورت مستقل در انگلستان و فرانسه بدون مشارکت باخنین به دست آمد. به طور مثال رویکرد منی به پدیده‌های اجتماعی و بررسی آن‌ها به صورت نظام‌های دلالتی که پاسا‌ساختارگرایی فرانسوی و مطالعات فرهنگی بریتانیا مورد استفاده قرار دادند، اما بسیاری از جنبه‌های آثار وی توسط پژوهشگران مورد بهره‌برداری قرار گرفت و نقشی پیش‌برنده ایفا کرد. نظریات او در جامعه‌شناسی ادبیات و به خصوص بررسی بی‌پایانگی میان ادبیات و زمینه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها باعث تحول در زمینه‌های شده است که با تقلیل‌های بسیاری به پدیده ادبی می‌پردازد. سهم مهم وی در کنار لاکاچ و گلدمن در جامعه‌شناسی ادبیات مسئله‌های تصدیق شده است. آن گونه که گلدمن می‌گوید: «اندیشه‌های باخنین، میدان گسترده جدید و مکملی را برای پژوهش جامعه‌شناختی درباره آفرینش ادبی می‌کشایند.» از طرف دیگر مباحث او درباره دیگری، چندآوایی، روابط بین منی و - جای خود را در نظریات فرهنگی معاصر باز کرده و آثار وی مناهمی غنی برای حوزه‌های چون مطالعات پسااستعماری، مطالعات فمینیستی و مطالعات ادبی است. همچنین آثار وی به کمک پساامار که است‌هایی می‌آید که قصد دارند بدون رها کردن مفروضات اساسی نظریه مارکسیستی، از تقلیل‌گرایی اقتصادی دور شوند و به شناخت جامع‌تری از فرهنگ معاصر دست یابند.

زیبایی‌شناسی و نظریه رمان

آثار باخنین تاکنون بسیار کم و به طور پراکنده به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. زنده یاد محمدجعفر پویاننده نخستین مترجمی بود که با انتشار مجموعه مقالاتی از محفل باخنین که با عنوان «هم‌خانبل باخنین، سودایی مکالمه خنده و آزادی» منتشر شد و نیز برخی از بخش‌های کتاب او در باره رابله، نخستین گام‌ها را برای معرفی اندیشه‌های او به خواننده فارسی برداشت. کتاب منطقی گفت‌وگویی اثر سودوروف نیز مشتمل بر نقل قول‌های فراوانی از آثار محفل باخنین بود که به فارسی منتشر شده. اما کتاب زیبایی‌شناسی و نظریه رمان که توسط آدین حسین زاده ترجمه شده است، گسترده‌ترین تلاشی است که در حوزه ترجمه، مجموعه منسجمی از باخنین بره‌اشته شده است. باخنین در مقالات این کتاب شکل هنری و به خصوص رمان را دستمایه پژوهش خود قرار داده و ضمن به کارگیری مهم‌ترین بنیان‌های فلسفی خود، نظریات نوآورانه‌اش را در مورد رمان مطرح می‌کند. او با قائل شدن تعارض میان زبان شعر و زبان نثر، رمان را فرمی هنری می‌داند که اساساً در بنیاد خود چندآوا، مکالمه‌های و حاوی چندگانگی است. او با نقد سبک‌شناسی زمان خود که قادر به شناخت ایضاً مختلف رمان نبود می‌نویسد: «زیبایی‌شناسی معاصر، با زیر بنای شناختی-فلسفی اش قابلیت پرداختن به ویژگی‌های رمان را ندارد» (ص ۸۲) او می‌گوید: «بوطیقای ارسطو بوطیقای سنت آگوستین، بوطیقای نظریه پردازان قرون وسطی در مورد «زبان واحد» به منظور بازنمایی حقیقت»، دستور زبان جهانشمول لایبنتیز، نظریات اپینولوژیکی هامبولدته همگی کم و بیش از همسان نیروهای تمرکزگرای اجتماعی، زبان شناختی و اپینولوژیکی سخن می‌گویند و عملکرد آن فقط و فقط ایجاد تمرکز و انسجام در زبان‌های اروپایی است. این که زبانی یا گویشی بر دیگر زبان‌ها و گویش‌ها پیشی بگیرد، پارهای از زبان‌ها از گردونه خارج شود یا دیگر زبان‌ها از آن بهره‌برداری کنند تدریس زبان حقیقی، مشارکت غیراروپایی‌ها و انتشار پست جامعه در زبانی واحد و منسجم ویژه فرهنگ و ادب، ایجاد الگو در نظام‌های اپینولوژیکی، صرف و نحو به همراه تدریس دستور زبان و ساختارهایی

که به زبان‌های مرده و از گردونه خارج شده اختصاص دارد. علم زبان‌های هند و اروپایی که از تعدد زبان به زبانی واحد - به منزله زبان مادر - می‌رسد، همگی در اندیشه زبان شناختی و سبک شناختی به تبیین فحوی زبانی «واحد» ختم شده است.» (ص ۸۴)

باخنین اشاره می‌کند که چنین پیشینی قادر به درک چند زبانی مکالمه‌گون رمان نیست بلکه متوجه تک‌آوایی شعر است. از نظر او این نیروهای تمرکزگرا در بطن خود گونه‌های مختلف شعری را رشد می‌دهند. در تقابل یا شعر، رمان و دیگر انواع ادبی مشور در بطن نیروهای تمرکزگرایز رشد و توسعه پیدا می‌کنند. به گفته باخنین: «در زبانی که شعر بر مرتفع‌ترین جایگاه اجتماعی - اپینولوژیکی خود می‌درخشد و از مسئله تمرکز فرهنگی، ملی و سیاسی دنیای کلام سخن می‌گفت چند زبانی دلقک‌دار مال‌ها، ترانه‌سرایان دوره کرده، نقالان و نکته‌سراها آن پایین دست‌ها در گوشه و کنار و جای جای خیابان‌ها به حیات خود ادامه می‌داد.» (ص ۸۵)

در نتیجه از دیدگاه باخنین، شعر یا تمرکز زبانی و نیروهای اجتماعی تمرکزگرا پیوند داشتند و شاعر یا کشیش‌ها و شوالیه‌ها دمخور بود. در حالی که نثر یا تمرکزگریزی و گروه‌های حاشیه‌های اجتماع پیوند داشته است. در نتیجه پیش‌های فلسفی و زیبایی‌شناختی که در کوران گرایش‌های تمرکزگرای حیات زبان توسعه یافته‌اند قادر به شناخت چند زبانی مکالمه‌گون رمان نیستند.

باخنین که سبک‌شناسی متناسب با دوران ظهور رمان را سبک‌شناسی بر مبنای اصول اجتماعی می‌داند، تأکید می‌کند که در این مسئله تردیدی نیست که گفتار شعری نیز وجهه‌های اجتماعی دارد، اما او معتقد است که اشکال شعری بازتاب کهن‌ترین و ماندگارترین گرایش‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

در حالی که گفتار رمان با حساسیت بسیار زیادی نسبت به گرایش‌ها و نوسانات چو حاکم بر اجتماع واکنش نشان می‌دهد و این واکنش سرتابری است و تمامی عناصر، اجزا و شاخه‌های گفتار رمان را در بر می‌گیرد. (ص ۱۰۵) از نظر او با توجه به این که مصالح رمان را زبان تشکیل می‌دهد و شکل مادی و عملی زبان گفت‌وگو و یا مکالمه است، در واقع رمان تقاطع صداهای مختلفی است که در حال مکالمه با یکدیگرند و صداهای دیگری و من یا یکدیگر در می‌آمیزند. از نظر او رمان زمانی پدیدار می‌شود که زبان کاملاً جنبه درونی خود را به عنوان پدیده‌های مطلق از دست می‌دهد تا بتواند در پیرون به گونه‌های نسبی و فاصله‌دار به شکل زبان قابل شنود عرضه شود. این اتفاق از لحاظ تاریخی در عصری رخ می‌دهد که مطلق‌گرایی خودکامه زبانی واحد که متناظر با جامعه و تمدنی مشخص بود، با پیدایش یک یا چند زبان خارجی در لاق فرهنگی زیر سؤال رفته یعنی در دوره‌هایی مانند طلوعه زبانی که زبان‌های ملی اروپایی جایگزین زبان لاتین شد (مقدمه کتاب)

او ریشه‌های تاریخی رمان را در کارناوال می‌جویند. کارناوال یک ضد فرهنگ مردمی را در قرون وسطی تشکیل می‌داد که با خنده و نقیضه، مونولوگ رسمی حاکم را به باد نیش‌خند می‌گرفت و تک‌صدا می‌و تمرکزگرایی اندیشه حاکم را مورد پرسش و تردید قرار می‌داد. نقیضه وجه مشخصه کارناوال را تشکیل می‌داد. صدایی موجود در نقیضه که طسی آن گوینده نقیضه چیدن زبان رسمی را باطنی مخالف خوان از درون متلاشی می‌کرد، اولین

اشکال چندصدایی بود که سپس در رمان به گونه‌های گسترده‌تر و پخته‌تر به کار رفته. چندصدایی رمان‌های داستایوفسکی نمونه‌ای بود از آنچه باخنین در نظریه خود درباره چندصدایی رمان مد نظر داشته. رمان‌هایی که در آن صداهای مختلف حضور داشت و صدای نویسنده وجه غالب را به خود اختصاص می‌داد. این صداهای مختلف در طی رمان با یکدیگر در حال گفت‌وگو بوده و هیچ یک سخن کامل و مطلق را در انحصار خود ندارند.

البته گفت‌وگو و مکالمه از دید باخنین یک ویژگی ذاتی زبان است. هر سخنی که ما می‌گوییم در واقع رو به سوی کسی دارد و پاسخی را دارد و یا در پاسخ به گفته‌ای بر زبان می‌آید. حتی در کلام یک مستند نیز وجهی از دیگری و مکالمه یا او وجود دارد. زبان امری فردی و شخصی نیست بلکه در بنیاد خود اجتماعی است. آنچه ما حتی بر زبان می‌آوریم، شنونده‌های را در خود فرض دارد و به سمتی جهت‌گیری شده است. ما برای بیان خود محتاج به دیگری هستیم و از او پاسخی را می‌طلبیم. در نتیجه هستی ما جز در رابطه با دیگران معنایی ندارد. در رمان این وجه زبان غلبه می‌یابد و به ویژگی غالب و چیره بدل می‌شود.

می‌توان به راحتی مشاهده کرد که نظریه رمان باخنین علاوه بر دستاوردهای زیبایی‌شناسی و سبک‌شناسی خود، دستاوردهای عظیمی را نیز در کلیت اندیشه بشری به ارمغان می‌آورد. نظریات او به ویژه هنگامی بهتر درک می‌شود که در زمینه اجتماعی شکل‌گیری آن‌ها درک شود. با از بین رفتن دستاوردهای انقلاب اکتبر در روسیه و چیرگی روزافزون استالینیزم در اتحاد جماهیر شوروی، زبان رسمی خشک و

جدی جایگزین چند زبانی کارناوال گونه انقلاب شد. صداهای حاشیه‌ای و دیگری سرکوب شد و تنها صدای موافق باقی ماند. مکمل این فرآیند حذف دیگری، ادعای تملک حقیقت مطلق و کنار گذاشتن هر گونه مکالمه و گفت‌وگو بود. نظریات باخنین که بر توانمندترین شالوده‌های درک مادی از تاریخ و ملاحظه کشمکش‌های اجتماعی میان گروه‌ها و طبقات مختلف استوار بوده، بنیادهای انتقادی بنیادین از وضع موجود را به‌ریزی کرد و برای فراروی از آن چشم‌اندازی جدید را گشود. در نتیجه نظریات باخنین نه تنها به لحاظ ارزش غیر قابل انکار آن‌ها در مطالعات ادبی و زیبایی‌شناسی، بلکه در گسترهای وسیع‌تر، در اندیشه قرن بیستم جایگاه مهم و تأثیر گذاری را از آن خود کرده است. کتاب زیبایی‌شناسی و نظریه رمان در وجه‌های مناسب برای ورود به دنیای غنی و عمیق اندیشه‌های باخنین است که مباحثی همچون فرم و محتوا، نظریه رمان، سخن در شعر و سخن در نثر، ویژگی‌های رمان‌های داستایوفسکی و نیز مباحثی در باره کارناوال و نسبت آن با رمان و مسائلی دیگر را در بر خود دارد. مطالعه این کتاب البته اشتیاق مطالعه آثار وی در مورد بوطیقای داستایوفسکی و رابله را در جان خواننده می‌افروزد. من امیدوارم که ترجمه این کتاب‌ها و بسیاری دیگر از نوشته‌های محفل باخنین در دستور کار مترجمان و پژوهشگران ما قرار بگیرد و به غنای فضای فکری جامعه بیفزاید. به خصوص که شرایط خاص دوران ما نگاه دقیق به برخی مفاهیم همچون گفت‌وگو نسبت من و دیگری، تک‌صدایی و چندصدایی و بسیاری مضامین دیگر، فوریت تاریخی کسب کرده است.

